

بهار



بهار ۱۳۹۱ // شماره ۷۱



ما آنها را که از
دیکتاتوری
پرولتاریا صرف نظر
کرده اند، استهزاء
می کنیم و می
گوئیم که
این انسانهای
کودن، نمی توانند
بپذیرند که یا باید
دیکتاتوری پرولتاریا برقرار شود و یا
دیکتاتوری بورژوازی. هر کس که
تصور دیگری داشته باشد، یا احمق
است یا بیسواد سیاسی. که راه دادن
او نه فقط به تریبون، حتی به جلسات
نیز شرم آور است. لنین

در این شماره ...

یاد و خاطره حماسه آفرینان سیاهکل و قیام توده ای بهمن ۵۷ ص ۲

نمایش توحش قرون وسطایی در جمهوری اسلامی ص ۴

رستاخیز سیاهکل . روز خروشیدن خشم خلق! ص ۵

۲۱ بهمن سالروز استقرار جمهوری خودمختار کردستان ص ۶

در گرامیداشت سالگرد قیام پرشکوه بهمن ماه ۵۷ ص ۷

یادواره رهبران شوراهای خلق ترکمن ص ۹



بهار ماه سرخ ترین ماه در تاریخ مبارزاتی کارگران

و زحمتکشان خلقهای ایران

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

. برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

یاد و خاطره حماسه آفرینان سیاهکل و قیام توده ای بهمن ۵۷ را پاس داریم

در یک چنین موقعیت و فضائی است که جریانات ارتجاعی و بورژوازی که با منافع آزادیخواهانه و برابری طلبانه کارگران و توده های مردم در تضاد و تناقض قرار گرفته اند و پایگاهی در میان مردم زحمتکش نداشته و یا در نتیجه رویگردانی از منافع توده های زحمتکش مردم، پایگاه اجتماعی خود را از دست داده اند، به نیروهای خارجی و کرامات امپریالیسم آمریکا دل بسته اند و خواهان تشدید محاصره اقتصادی و حمله نظامی به ایران هستند. خواهان آنند تا سناریو هائی نظیر آنچه در مصر، لیبی، عراق اتفاق افتاد را بر مردم ایران تحمیل کنند.

دسته دیگر به اقدامات جناح های باصطلاح «دوراندیش» و «اصلاح طلب» رژیم دلبسته اند و هر دوی این خط و مشی ها توده های مردم را از اقدامات مستقل خود بر حذر میدارند. در حالیکه منافع توده های کارگر و زحمتکش مردم و مبارزه آنها برای رسیدن به خواست های انسانی و طبقاتی خود با منافع هر دو گروه یاد شده، یعنی کمپ امپریالیستی و رژیم حاکم و جناح بندی های درون آن و طرفداران آنها در داخل و خارج از کشور، در تضادی آنتاگونیستی قرار دارد. از اینرو تنها یک جنبش اصیل آزادیخواهانه و سوسیالیستی و طبقاتی میتواند با دفاع پیگیر از منافع طبقه کارگر، زحمتکشان، زنان، جوانان، روشنفکران، طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم را بسیج کرده و بادیست زدن به مبارزه ای رادیکال و انقلابی جامعه را از خطر تداوم سلطه رژیم حاکم و یا جنگی ویرانگر نجات دهند.

گروه دیگر در اپوزیسیون درونی و خارجی این رژیم صحبت از «جریان سوم یا صدای سوم» میکنند که گویا هم مخالف دخالت امپریالیسم آمریکا هستند و هم با جنگ افروزی جناح های محافظه کار رژیم مخالفند. اگرچه در این کمپ افراد و جریاناتی هم به

بهمن ماه رژیم شاه سرنگون شد، اما باز هم برای چندمین بار بورژوازی ایران درسازش با امپریالیسم و ارتجاع داخلی قدرت سیاسی را در چنگ خود حفظ کرد و با تلفیق دین و دولت یکی از ارتجاعی ترین روبنای سیاسی را بر جامعه ما حاکم گردانید.

اینک که 42 سال از حماسه سیاهکل و 34 سال از قیام خونین توده های مردم سپری می گردد با گذشت زمان توده های مردم، کارگران، زنان، جوانان و ملیت های مختلف تحت ستم و استثمار در مییابند که راهی جز تشدید مبارزه در مقابل نظام ارتجاعی حاکم ندارند، رژیم جمهوری اسلامی نیز در هراس از اوج گیری جنبش های اجتماعی به دامن زدن به بحرانهای خارجی روی میآورد و با مستمسک قراردادن حقوق بین المللی مربوط به حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای و وانمود کردن آن بعنوان مسئله ای ملی و مربوط به استقلال کشور، بر آن است تا به ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی دامن زده و با طرح خطر حمله نظامی آمریکا، جنبش های کارگری و مردمی را سرکوب نماید.

از طرف دیگر امپریالیسم آمریکا که برای سلطه بر منطقه و کنار زدن رقبای خود به هر جنایتی دست میزند و برای رسیدن به هدف خود تاکنون مردم افغانستان و عراق را به خاک سیاه نشانده است، و با دخالت خود و سایر سران دول سرمایه داری، انقلابات و قیام های اعتراضی بر علیه ستم و استثمار و سرکوب نظام های ارتجاعی سرمایه در کشورهای آفریقا و خاورمیانه را به انحراف کشانده، بر آن است تا با بهانه قراردادن فعالیت های آتمی جمهوری اسلامی خطر حمله نظامی و جنگ علیه ایران را حتمیت بخشد.

42 سال از حماسه سیاهکل و 34 سال از قیام توده های زحمتکش مردم سپری میشود این دوروز در تاریخ مبارزات توده های زحمتکش مردم ایران بر علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب و برای کسب آزادی و برابری از نقاط عطف مهمی محسوب میشوند. 42 سال پیش مبارزه مسلحانه توسط سازمان چریکهای فدائی خلق که با هدف برقراری سوسیالیسم بنیان نهاده شده بود، با حمله به پاسگاه سیاهکل و با این امید آغاز شد که قدر قدرتی دستگاه جهانی شاه و ترس و وحشت نهادی شده در دل طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم را بشکنند و آنها را به قدرت لایزال خود آگاه سازند، تا با سلاح آگاهی و تشکل خود، نظام ارتجاعی حاکم را سرنگون کرده و سرنوشت خود را در دست گیرند.

چند سالی از حماسه سیاهکل و آغاز مبارزه مسلحانه نگذشته بود که به رغم شهادت بسیاری از رفقا در زیر شکنجه و میدانهای نبرد و تیرباران، آموزه های اقدام انقلابی آنان در خیزش توده ای و قیام قهرآمیز بهمن 56 تبریز به شعله ای تبدیل شد که به فاصله کمتر از یکسال سراسر ایران را فراگرفت و در 22 بهمن 57 با قیام مسلحانه رژیم ستم شاهی را به گور سپرد.

اما نباید فراموش کرد که نه اقدام انقلابی رفقای ما و نه خیزش توده های زحمتکش مردم، به تنهایی و بدون تشکل و آگاهی طبقه کارگر و به میدان آمدن این طبقه قدرتمند و بدون سرنگونی نظام سرمایه داری حاکم بر ایران، نمیتوانست و نتوانست آرمانهای رزمندگان سیاهکل و توده های قیام کننده در بهمن 57 را متحقق سازد. همانطور که به تجربه دیدیم هر چند در نتیجه رزم دلاورانه چریکهای فدائی خلق و قیام شکوهمند

چشم میخورند که خود را چپ و سوسیالیست میدانند ، اما چشم داشتن این افراد و جریانات به مواضع عوامفریبانه بخشی از طبقه حاکم و جناح های سیاسی درون رژیم و تمایلات بخشی از طبقه متوسط که در موضع مخالفت با سیاست خارجی بویژه برنامه هسته ای جناح حاکم دارند، آنها را از روشن کردن محتوای طبقاتی چنین «صدای سوم» باز میدارد و در نتیجه از طرح و دفاع از خواست های رادیکال کارگران و زحمتکشان و بطریق اولی مبارزه علیه طبقه حاکم و مافیای قدرت و ثروت باز میمانند و بویژه در طرح خواست های طبقاتی و سوسیالیسم از خود تردید و تزلزل نشان میدهند. در حالیکه هرگونه صحبت از «نیروی سوم» و «راه حل سوم» و «صدای سوم» بدون روشن کردن محتوای طبقاتی نیروها و گرایشات سیاسی و برنامه آنها برای تغییرات رادیکال و انقلابی جز به تقویت اهداف و سیاست های دوکمپ ارتجاعی پیش گفته منجر نخواهد شد. ادامه چنین مشی نه تنها قادر نیست توده های کار و زحمت را بسیج کند بلکه در عمل افراد و جریانات مدافع سوسیالیسم در این کمپ را به دنباله چپ احزاب و جریانات ارتجاعی و ضد کارگری این کمپ تبدیل خواهد کرد.

اما اکنون که در شرایطی که بحران داخلی عمیقتر شده است و وحلقه تحریمهای اقتصادی روز به روز تنگتر میشود و تاثیرات ویران کننده بحران اقتصادی و تحریمها برگرده طبقه کارگر و توده های مردم زحمتکش بیش از پیش سنگینی میکند و گرانی ، بیکاری ، افزایش قیمت مایحتاج عمومی ، اخراجهای دسته جمعی و عدم پرداخت حقوق فشار زاید الوصفی را بر روی کارگران و زحمتکشان جامعه وارد آورده و در اعتراض به این وضعیت شاهد گسترش اعتصابات کارگری و اعتراضات اجتماعی متعدد هستیم . وظیفه شکل دهی به آلترناتیو

انقلابی و سوسیالیستی در چنین شرایط حساسی برعهده نیروهای جنبش کمونیستی و کارگری ایران قرار دارد . که باید با دست رد زدن به سکتاریسم و فرقه گرایی و با حرکت از منافع طبقه کارگردست به کاررفع موانع شکل گیری چنین آلترناتیوی باشند. بی شک فائق آمدن بر تشتت و پراکندگی جنبش کمونیستی از جمله قدمهای ضروری است که در این راستا برداشته شده باید تا رسیدن به نتیجه مطلوب ادامه یابد.

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در پی گیری مشی انقلابی بنیانگذاران سازمان مبنی بر تلاش جهت رفع پراکندگی جنبش کمونیستی و نیز تشکیل حزب انقلابی طبقه کارگر به این وظیفه سترگ خود آگاه بوده و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرده و نخواهد کرد و هم اکنون که این تلاشها در نشست مشترک بیش از 25 حزب ، سازمان و نهاد کمونیست و چپ به ثمر نشسته است ، و این سازمانها و احزاب فعالیت مشترکی را آغاز نموده اند بار دیگر از همه احزاب و سازمانها و افراد کمونیست و انقلابی بویژه کمونیستهایی که در صفوف سازمان فدائی مبارزه کرده و تجربه اندوخته اند، دعوت میکند تا صفوف خود را متحد کنند و به جای دامن زدن به تفرقه پراکندگی در این کوششها سهم و شریک شوند.

به یاد داشته باشیم که سالگرد حماسه سیاهکل و قیام تاریخی 22 بهمن انجام وظایف و پیگیری اهدافی را به ما گوشزد میکنند که هزاران رفیق ما و ده ها هزار انسان آزادیخواه و سوسیالیست برای تحقق شان جان باخته اند . اهدافی که از آسمان نازل نشده اند بلکه انسانی ترین و مبرمترین خواست ها و آمال و آرزوهای کارگران ، زنان ، جوانان ، دانشجویان ، روشنفکران و بطور کلی نیروی کار و زحمت جامعه ما هستند که بوسیله مافیای قدرت و ثروت انکار و سرکوب میشوند.

بیانید به مناسبت این دو روزتاریخی 19 و 22 بهمن، یاد و خاطره همه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم را گرامی داریم و از تجربیات نسل های گذشته در جهت تحکیم صفوف خود و گسترش مبارزه برای سرنگونی رژیم ارتجاعی حاکم و رسیدن به جامعه ای عاری از ستم استثمار و زور و سرکوب استفاده کنیم.

گرامی باد یادجان باختگان حماسه سیاهکل و قیام خونین بهمن ماه

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی ایران

زنده باد سوسیالیسم

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست 17 بهمن 1391

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در نتیجه سه دهه مبارزه و از دل سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پدید آمده و با نقد و انحرافات آن و با تغییر نام آن به سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در نهمین نشست خود در سال ۱۳۷۵ تداوم فعالیت خود را تحت نام و ارگان و مواضع جدید که از نقد گذشته و تحلیل شرایط حاضر بر می خاست . آغاز نمود . سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در عین حال تجلی وحدت بخشی از محافل و نیروهای کمونیست سازمان چریکهای فدایی خلق ایران است .

نمایش توحش قرون وسطایی در جمهوری اسلامی



هر روز که از عمر ننگین رژیم ارتجاعی و قرون وسطایی جمهوری اسلامی میگذرد وضعیت زندگی توده های مردم فلاکتبارتر میشود ، در شرایطی که گرانی و هزینه های کمرشکن زندگی ، تورم افسار گسیخته ناشی از سیاستهای جاه طلبانه رژیم بر دوش کارگران و زحمتکشان سنگینی میکند و هر روز بر دامنه فقر و فلاکت آنان میافزاید و در حالیکه قیمت کالاها و مایحتاج ضروری توده ها با سرعت حیرت آوری افزایش می یابد ، رژیم مرحله ی جدیدی از سیاست سرکوب و خفقان را بنمایش گذاشته است .

رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی که با بحرانهای عظیم اقتصادی و اجتماعی - سیاسی در عرصه داخلی و بین المللی روبه روست و موقعیت خود را بیش از پیش در تزلزل می بیند در وحشت از تشدید مبارزات کارگران و زحمتکشان ، در سراسر میهن گستاخ تر از گذشته سرکوب و اختناق را تشدید نموده تا از این طریق توده ها را مرعوب نماید .

اجرای قوانین متحجر و ضد انسانی از جانب رژیم ، حاکی از ضعف و استیصال نظامی است که پایه های آن جز از طریق سرکوب و وحشیگری ساخته نشده و هر گاه در گرداب بحرانهای لاعلاج دست و پا میزند بمنظور حفظ حاکمیت متزلزل خویش با بکار گیری وحشیانه ترین شیوه های شکنجه و اعدام و نمایش توحش قرون وسطایی سعی می کند تا اقتدار سراپا پوشالیش را برخ توده های بستوه آمده بکشاند . بی شک قتل و کشتار جوانانی که خود قربانیان سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی بعنوان روینای سیاسی جامعه سرمایه داری در ایران هستند نه نشان از توان و نیروی اعمال حاکمیت سراپا متزلزل جمهوری اسلامی دارد ، بلکه به تمامی نشانه ضعف و درماندگی جمهوری اسلامی در کنترل بحران رو به گسترش و دامنگیر حاکمیت ننگینش است . جلادان رژیم در حالی توحش و

ترور اعضا و رهبران حزب کارگران کردستان را محکوم میکنیم

سه تن از اعضا و رهبران حزب کارگران کردستان درپاریس ترور شدند. اجساد این قربانیان صبح روز 21 دیماه 1391 درساختمانی درپاریس کشف شده است . « سکینه جانسیز» ، ازبنیانگذاران حزب «پ -ک -ک» و «فیدان دوان» ، ازاعضای فعال درانستیتو کردها درپاریس وزن دیگری از نمایندگان کنگره کردستان جملگی با شلیک گلوله به قتل رسیده اند .

هنوز آمرین و عاملین این ترورها مشخص نشده است . اما میتوان حدث زد که این ترور ها با تحولات اخیر درکردستان و ترکیه و عراق بی ارتباط نیست .

اما علت این ترورهای وحشیانه هرچیزی که بوده باشد و عوامل آن به هردولت ، حزب ، سازمان و گروه دسته ای که وابسته بوده باشند ، باید بعنوان عمل جنایتکارانه محکوم شود .

ایرانیان مبارز درخارج کشور نیز درطول دوران تبعید خود، همواره با این شیوه های ترور و قتل مخالفین توسط حکام خودکامه ایران مواجه بوده اند . طی سالهای گذشته بسیاری از رهبران احزاب و سازمانها و افراد فعال و مبارز ایرانی بوسیله تروریست های اعزامی جمهوری اسلامی درخارج کشور از جمله درفرانسه و شهر پاریس، به قتل رسیده و جان باخته اند و اغلب بعد از فشار افکار عمومی هرچند برخی از عوامل این ترورها دستگیر شده اند اما بعد از مدتی طی معاملات پشت پرده باسلام و صلوات تحویل جمهوری اسلامی گردیده اند . وظیفه همه انسانهای آزادیخواه و بویژه ایرانیان مبارز درخارج کشور واحزاب و سازمانها و مجامع مترقی است که نسبت به ترور پناهندگان سیاسی و فعال کرد درپاریس اعتراض کرده و آنرا محکوم کنند .

ما ترور اعضا و رهبران حزب کارگران کردستان را محکوم میکنیم واز همه ایرانیان مبارز دعوت میکنیم که این عمل جنایتکارانه را محکوم کرده و از اقدامات اعتراضی درمحکومیت این ترورها و نیز حرکت های اعتراضی مردم بمنظور روشن شدن آمرین و عاملین این جنایت پشتیبانی بکنند .

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

21 دیماه 1391

بربریت اسلامی را در اشکال قطع انگشتان و دست و حلق آویز کردن و سنگسار در میادین و خیابانها به بهانه بی اخلاقی ؛ تجاوز ؛ زورگیری ؛ سرقت و دزدی در ملا عام به نمایش میگذارند که سردمداران و آقازاده های ژیگولوی آنها با ثروت و سامان توده ها در گوشه و کنار همانند کرم در همدیگر لولیده کثیفترین واژه ها و رفتارهای تاریخ بشری را خلق میکنند .

آیا در چنین اوضاع و احوالی توده ها میبایست همچنان نظاره گر توحش چنین جانورانی باشند که به هر شیوه ممکن سعی در اشاعه فرهنگ ابتذال و بربرمنشی دارند ؟ آیا بایستی توده ها هر روز و هر ساعت با چشم و گوششان چنین صحنه هایی از توحش مذهبی را شاهد باشند ؟ آیا اجرای چنین نمایشاتی در انظار عمومی در حالیکه توده ها در فقر مطلق و گرسنگی دست و پا میزنند چیزی جز توهین به کرامت انسانی و تحقیر هر چه بیشتر آنها از جانب کفتاران حاکم تعبیر میشود ؟

توده های کارگر و زحمتکش :
با تحریم نظاره نمایشات رعب و وحشت خیابانی جلادان رژیم نشان دهید که چنین معرکه گیریهایی از جانب جلادان حاکم دیگر در نزد مردم خریداری نداشته و نخواهند توانست با اجرای آن توده ها را مرعوب دستگاه کشتار خویش نمایند . توده های ستمکش میبایست با ایجاد درگیری با مزدوران در چنین مواقعی قدر قدرتی کاذب رژیم را به طور جدی به چالش کشیده و کوچه و خیابانها را به میادین اعمال قهر و اراده خویش بدل نمایند . و این ممکن نیست جز با شکستن دیوار ترس و وحشت و برپایی تشکلهای توده ای بمنظور اعمال اراده آنان در گستره میهن در زنجیرمان .

گرامی باد چهل و دومین سالگرد رستاخیز سياهکل .

روز خروشیدن خشم خلق !

در تاریخ حیات هر ملتی لحظاتی هست که جاودانه میماند روزهایی که هیچگاه فراموش نمیشوند و حوادثی که بعنوان نقاط عطف ثبت میگردند . نوزدهم بهمن ماه 1349 نیز یکی از این لحظات تاریخی و فراموش نشدنی است . چهل و دو سال پیش در روز 19 بهمن ماه این صدای رعد آسای گلوله های فدائیان بود که در اعماق جنگلهای شمال نوید بخش سر فصلی نوین در جنبش توده های تحت ستم و استثمار شد . روزی که گروهی از مبارزترین و با ایمان ترین مبارزان راه آزادی و برابری با حمله مسلحانه به پاسگاه سياهکل سکوت مرگباری را که بر اثر دیکتاتوری رژیم شاه بر سراسر میهن حاکم شده بود درهم شکسته و بیک دوران انفعال و بی عملی چند ساله خاتمه بخشیدند . اقدام قاطع و انقلابی رفقای حماسه آفرین سياهکل در آن مقطع تاریخی ناشی از درک عمیق و علمی از پدیده های اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی حاکم بر جامعه آنروز ایران بود . حماسه آفرینان سياهکل شراره های آتشفشان خشم انقلابی توده ها بودند که فرا رسیدن دورانی نوین در زندگی مبارزاتی توده های مردم را اعلام میکردند . آنها نوید دهنده نزدیک شدن روزی بودند که انقجار خشم انقلابی توده ها بنیان کاخ ستمگران را به لرزه در آورد . جنبش آغاز شده توسط رفقای پاکباز فدایی تنها در طی 8 سال به آنچنان جنبش عظیمی تبدیل شد که در اعماق توده های کارگر و زحمتکش نفوذ کرد و به جریان اجتماعی در عرصه سیاسی - اجتماعی جامعه تحت سلطه ایران مبدل شد و سست ترین حلقه زنجیره امپریالیسم جهانی را آماج حملات قاطع و انقلابی خویش قرار داد و در 22 بهمن 57 با نفوذ میلونی خود

در توده های بپاخاسته میهنمان و با پشتوانه ای عظیم موجبات سرنگونی یک از عقب مانده ترین سیستمهای سیاسی - اقتصادی سرمایه داری وابسته به امپریالیسم را فراهم ساخت . در سراسر دورانی که تا به امروز نیز ادامه یافته است ترازنامه مبارزاتی و فعالیت انقلابی فدائیان گواه روشنی است بر ایمان تزلزل ناپذیر فدائیان به راه سرخ کارگران ، دفاع از منافع زحمتکشان و دشمنی قاطع و سازش ناپذیر با امپریالیسم و سرمایه داران . مبارزه ای که نه تنها در دوران رژیم شاه بلکه پس از سرنگونی آن نیز علیه رژیم ارتجاعی و قرون وسطایی جمهوری اسلامی ادامه یافته است . چرا که رژیم جمهوری اسلامی نیز که در غیاب رهبری انقلابی و سازش ناپذیر طبقه کارگر و بر بستر توهم و اعتماد ناآگاهانه توده ها به خمینی جلااد و دارو دسته او بر سرکار آمد بدفاع از طبقات ستمگر و استثمارگر برخاست ، سیاستهای ضد خلقی رژیم شاه را ادامه داد کشتار و سرکوب توده ها را پیشه خود ساخت و دستاوردهای انقلابی توده ها را لگد مال کرد . فدائیان از همان آغاز و درست در بحبوحه لحظاتی که بسیاری از مدعیان کنونی مبارزه علیه رژیم ، به ثناگویی خمینی مشغول بودند به افشای ماهیت این رژیم و سیاستهای خائنانه و ضد خلقی آن نمودند . در هر گام رژیم را افشا کردند و در هر کجا که رژیم به سرکوب قهر آمیز توده ها پرداخت ، در پیشاپیش خلق به نبرد مسلحانه علیه رژیم برخاست . از مبارزه عادلانه و خواستهای بر حق و انقلابی توده های زحمتکش در سراسر ایران دفاع نمود . در کنار خلقهای تحت ستم کرد ، ترکمن ، عرب و بلوچ به مبارزه مسلحانه علیه رژیم پرداخت .

اینک در آستانه چهل دومین سالگرد حماسه ی سياهکل و بنیانگذاری سازمان ، بکوشیم تا با درس گیری از تجارب مبارزه با دو حکومت ارتجاعی شاه و شیخ آرمان والای رفقای پاکباز این روز تاریخی و هزاران فدایی سازمان سرخ کارگران و زحمتکشان را در تداوم راهشان زنده نگه داریم .

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

یک سازمان کمونیستی و بخشی

از طبقه کارگر است که در

جنبش آن شکل گرفته و هدف

خود را گسترش و تکامل

مبارزه طبقه بسمت پیروزی

نهانی و ساختمان جامعه

سوسیالیستی و کمونیستی قرار

داده است . که در آن وحدت و

یکانگی انسان تامین و تکامل

هر فرد شرط تکامل همگان

است . مبانی سیاسی و خط و

مشی آن در برنامه سازمان بیان

گردیده است .

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

در تمام عرصه های فعالیت

خود از آموزش سوسیالیسم

علمی پیروی می کند و به لحاظ

ماهیت طبقاتی و ایدئولوژی .

خود را سازمانی کارگری می

داند .

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

تجمع آگاهانه و فعال کمونیست

ها با جهت گیری وحدت

گرایانه در عرصه جهانی است .

۲۲ بهمن سالروز استقرار جمهوری خودمختار کردستان

و تجارب آن پس از شصت و شش سال



انجام دهد اما دارای ضعفهای اساسی و متعددی بود که باعث درهم شکستن آن گردید . مهمترین ضعف جنبش ملی کردستان فقدان رهبری طبقه کارگر بود .

باعث به شکست کشانیده شدن آنها گردید .

از آن گذشته جنبش ملی فقط در محدوده ، کردستان خود را خلاصه کرده بود و هیچگاه نتوانست با جنبش سراسری پیوند حاصل نماید . حتی به موازات جنبش ملی در کردستان که جنبش آذربایجان نیز پا گرفته بود نه تنها نتوانست پیوند مستحکمی با آن بوجود آورده بلکه گاهاً اختلافاتی فی مابین آنها بروز می کرد که باعث دوری جستن هر چه بیشتر آنها از همدیگر میگردد . از طرفی جمهوری کردستان خود را تنها به شهر مهاباد و چند شهر دیگر بجز شهرهای جنوبی کردستان محدود کرده بود و نتوانست از این محدوده فراتر رود .

هنگامی که امروز به بررسی جمهوری کردستان می پردازیم بررسی آن علی است که منجر به شکست آن گردید و بکار بستن آن تجاربی است که می بایستی امروز در صدر وظایفان قرار گیرد و به آموزش عملی در مبارزه انقلابی کارگران و زحمتکشان کردستان تبدیل گردد .

مهمترین این آموزش عملی همانا تاکید بر ضرورت رهبری طبقه کارگر و متشکل کردن کارگران در تشکلهای توده ای آنان ، سازماندهی توده ها و پیوند جنبش انقلابی خلق کرد با جنبش سراسری می باشد . این ضرورت را نه تنها جمهوری کردستان بلکه تمامی جنبشهای ملی - دمکراتیک به اثبات رسانده اند مناف بر اینکه امروز با توجه به تحولات اجتماعی - اقتصادی که بعد از سال 1324 بوجود آمد مضمون جنبش طبقاتی کردستان نیز تغییر یافته است .

بافت اقتصادی - اجتماعی کردستان و عدم رشد و گسترش سرمایه داری در کردستان باعث گردیده بود که کردستان در عقب ماندگی اقتصادی بسر برد و همین عقب ماندگی خود بخود باعث عدم حضور طبقه کارگر در کردستان گردد بویژه اینکه با عدم حضور فعال کمونیستها در این جنبش همراه بود .

جنبش ملی کردستان در سال 1324 با چنین وضعیتی روبرو بود ، از یکطرف نیروهای جنبش ملی که نیروی رادیکال و انقلابی آنرا تشکیل می دادند ، عمدتاً دهقانان فقیری بودند که سالیان متمادی زیر شلاق فئودالها ناگزیر بودند به طاقترین کارها تن دهند و از طرف دیگر فئودالها و روحانیون و بازاریان بودند که رهبری جنبش را به عهده داشتند . جنبشی که رهبری آن در دست چنین جریاناتی باشد طبعا نمی تواند خواستههای توده های زحمتکش را متحقق سازد و ارگانهای اقتدار توده ای را بوجود آوردند و به تسلیح همگانی آنان بپردازند ، عاملی که فقدان آن یکی از دلایل شکست جمهوری کردستان بود .

در کنار چنین ضعفی جریانات کمونیست و انقلابی سراسری حضور نداشتند که بتوانند رهبری و هدایت آنرا در دست گیرد و یا آنرا تحت تاثیر خود قرار دهد . تنها جریانی که تحت نام چپ حرکت می کرد ، حزب توده بود که با تفکرات فرمیستی نمی توانست چنین رسالتی را برعهده گیرد و به فرجام موفقیت آمیز برساند . بلکه با همان تفکرات بود که رهبری جنبش آذربایجان و جنبش کارگری سراسری را برعهده داشت و سرانجام در نتیجه سازشکاریهایی با حکومت مرکزی

شصت و شش سال پیش توده های وسیعی از زحمتکشان کردستان ، علیه ارتجاع و دستیابی به حق تعیین سرنوشت بپاخاستند و با اعلام جمهوری خودمختار در شهر مهاباد یکی از آرزوهای دیرینه خلق کرد را متحقق ساختند . هر چند عمر این جمهوری کوتاه بود و بیشتر از یازده ماه نتوانست مداوم یابد و سرانجام با لشکرکشی های فاشیستی حکومت مرکزی به شکست کشیده شد . اما تجربه گرانقدری که از پیروزی و شکست آن بجای ماند باید همواره پیشرووی کارگران و زحمتکشان کردستان و دیگر خلقهای تحت ستم قرار گیرد .

استقرار جمهوری در مهاباد محصول وضعیت خاصی از شرایط اقتصادی - سیاسی جامعه وقت ایران بود . شرایطی که بعد از تحولات شهریور 1320 بوجود آمده بود و ناتوانی حکومت مرکزی در تثبیت سلسله ستم و استثمار بهمراه گسترش بحران اقتصادی - سیاسی جامعه را بدنبال خود داشت . بطوریکه با پایان یافتن جنگ جهانی دوم ، حکومت مرکزی قادر نگشته بود ، برای رونق سرمایه آرامش لازم را تامین نماید . در کنار چنین وضعیتی ، گرانی ، قحطی و کمبود مایحتاج عمومی توده ها شدت یافته و اعتراضات توده ای کارگران و زحمتکشان در سراسر ایران اوج یافته بود . جنبش ملی در کردستان در متن چنین شرایطی و بر بستر عقب ماندگی اقتصادی - اجتماعی ناشی از استبداد حکومت مرکزی شکل گرفته و مدوما گسترش یافت و با خلع سلاح مزدوران سرکوبگر حکومت مرکزی در دوم بهمن ماه 1324 جمهوری در شهر مهاباد اعلام گردید . و به نقطه عطفی در تاریخ مبارزات توده های کارگر و زحمتکش کردستان تبدیل شد .

جمهوری خودمختار علیرغم اینکه نتوانست در مدت استقرار خود یکسری اقداماتی که عمدتاً کارهای فرهنگی بود

در گرامیداشت سالگرد قیام پرشکوه بهمن ماه ۵۷ زنده باد اعتصاب و قیام مسلحانه توده ای



حراج کودکان و دختران خردسال در کشورهای حوزه خلیج فارس در آستان شیخهای مرتجع حاکم بر این کشورها، سست کردن بنیانها و ارزشهای خانوادگی، گسترش اعتیاد، غارت و حراج سرمایه های ملی، از بین رفتن سرمایه ها و منافع ملی و بیکاری و هزاران مصائب اجتماعی دیگری عاید توده ها نکرد. جاه طلبیهای اتمی و خود بزرگ بینیهای نظام منحط جمهوری اسلامی موجب فقر و گرسنگی و تحریمهای بین المللی گشته که بار اصلی آن بردوش توده هایی است که از چنین جاه طلبی هایی تنها فقیر و تهیدستی و کار بیشتر و بیشتر عاید آنها میگردد و روز بروز سفره هایشان از نان خالی می شود، همگی از ارمغانهای گوهر بار سرمایه داران زالو صفتی است که رسالت حفظ نظام فاسد سرمایه داری را از اسلاف خود به ارث برده است. رسالتی که از جانب امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم سرکوبگر پهلوی به رژیم جمهوری اسلامی و ولایت مطلقه فقیه اعطا گردید و تا به امروز به یمن دستگیریهای گسترده، تختهای شکنجه، جوخه های اعدام، طناب دار، تجاوز و بی حرمتی و ... از آن پاسداری نموده تا مبادا امنیت سرمایه به خطر افتاده و شعله های قیام بهمن ماه ۵۷ بار دیگر شعله ور گردد

اسلامی داده و روند رو به پیش انقلاب را در مقاطع زمانی حساس با کندی و توقف مواجه ساخت. با واژگونی رژیم سلطنتی سیستم سرمایه داری حاکم بر جامعه ایران در تلفیق با یکی از متحجرتترین روبناهای سیاسی مبتنی بر نظام ولایت فقیه بر شئون اقتصاد - اجتماعی و سیاسی جامعه ایران حاکم گردید با این امید که با سلب ابتدایی ترین حقوق و آزادیهای دمکراتیک و با ایجاد فضای ترور و وحشت و خفقان به ترمیم و نوسازی ارگانها و نهادهای صدمه دیده در جریان قیام توده ای بپردازند بخصوص با بازسازی ارتش و سازمانهای نظامی موازی با آن نظیر سپاه پاسداران ماشین سرکوب سرمایه را هر چه زودتر احیا نمود. چرا که احیا این بخش صدمه دیده در جریان قیام از اصول بدیهی بقا نظام سرکوبگر بحساب می آید. و بدین شیوه امنیت سرمایه را به هر شیوه ممکن تامین نمایند. تامین امنیت سرمایه و منافع امپریالیسم جهانی به بهای براه انداختن جنگ زرگری با امپریالیستها و سرکرده امپریالیسم جهانی، امپریالیسم آمریکا، و ایجاد توهم در میان صفوف خلق و جریانات اپوزیسیون اصلی، سرکوب ملیتهای بپاخاسته تحت ستم در کردستان، ترکمن صحرا و خوزستان و بلوچستان و ...، حمله همه جانبه به ارگانهای توده ای از قبیل شوراهای و دیگر تشکلهای توده ای در چهار گوشه میهن، سلب آزادیهای دمکراتیک و براه انداختن ماشین سرکوب و شکنجه و کشتار و اعدام، تحمیل هشت سال جنگ غیر عادلانه و ارتجاعی بر کرده توده های رنج دیده و تحت ستم ایران که جز آوارگی، گرسنگی، فحشا، انبوه کودکان و دختران خیابانی،

روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه سال ۵۷ توده های تحت ستم و استثمار امپریالیسم جهانی و سرسپردگان آن در ایران یکی از پر شکوه ترین صحنه های اعمال اراده و قهر توده ای را با واژگون ساختن دستگاه ستم و سرکوب رژیم سلطنتی وابسته به امپریالیسم بنمایش گذاشتند و تنها طی این دو روز مراکز پرهیاهوی نظامی و انتظامی حکومت فاسد پادشاهی پهلوی را به تسخیر خویش در آوردند و نشان دادند که ستمگران و مزدوران آنانرا از قهر و کینه توده های بجان آمده حتی در برجهای بظاهر مستحکم امانی نیست. بکارگیری گله های مزدوران و تمهیدات سردمداران ستم و سرکوب برای فرونشاندن آتش هر دم رو به فزونی قهر و کین خلق در زنجیر جز شعله ورت کردن آتش قیام همگانی و واژگون ساز توده ها در پی ندارد. قیام بهمن و مبارزه مسلحانه توده ای به حاکمان و اپورتونیستهای فرو رفته در لاک خویش ثابت نمود که مبارزه قهری آخرین راه و یگانه راه حل اختلافات و تسویه حساب طبقه ستمکش با طبقات حاکم است.

هر چند قیام پرشکوه بهمن ماه به آرمانها و اهداف بنیادین خود نرسید و دسیسه چینیها بمنظور انتقال مسالمت آمیز قدرت به بخشهای دیگر سرمایه داران تمامیت نظام سرمایه داری و ستم و سرکوب را از خطر انقلاب اجتماعی و کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر و همپیمان آن زحمتکشان بطور موقت رهناید و از سویی حاکمیت تفکرات انحرافی و خیانت بار کارگزاران سرمایه داری در درون جنبش چپ و کمونیستی خود شتاب بیشتری به اعمال قهر ضد انقلابی توسط حاکمیت سرکوبگر جمهوری

من يك فدائی خلق ایران هستم و شناسنامه من جز عشق به مردم چیز دیگری نیست من خونم را به توده های گرسنه و یابرهنه ایران تقدیم میکنم.

در پیچ و تاب سرد سیاهکل گل می دهد و سپس در برابر انبوه شهیدان فدائی می سراید : ای سرو ایستاده این نام دوست که می سازد نام تو پرچم ایران خزر به نام تو زنده است . در این راه و بر این پایه بود که رزمندگان راه رهایی کارگران چنین با شکوه و خورشیدوار شهادت را پذیرا شدند و در بیدادگاه چون حکم اعدام را شنیدند با لبخند آغوش بریکدیگر گشودند . اینک طنین سخنان پرشکوه رفیق خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان در بیدادگاه رژیم سرسپرده که با همه وجود از آرمان سرخ کارگران و شرف تابناک انقلابیون دفاع کردند در اعماق توده های پر خروش میهن ما می پیچد و آنان را در راه سخت و پر فرازو نشیب فرداها امید می بخشد و استواری می دهد . لبخند تابناک آنان به هنگامی که بیدادگاه را ترک می کردند تا به پیشواز پگاه سرخ شهادت بروند ، لبخندی بر فرادهای پیروزی خلق ما بود و امید پیروزی بر دژخیمان را در دلها شعله ور می ساخت . آن شور سرکش و پر شکوهی که در قطره قطره خون آنان زبانه کشید اکنون مشعلی است فرا روی ما . سرود آنها همیشه از سنگر طبقه کارگر در راه رهایی خلق های ایران به گوش می رسد . مگو بمانیم ما فتح می کنیم با آئین گوشت و گلوله و مرگ اما آنها نمی دانند پیراهن سرخ تو تن به تن در میان ما خواهد گشت . یادشان گرامی راهشان پر رهرو باد .

بهمن ماه در تاریخچه حیات سیاسی و زندگی مبارزاتی توده های مردم کشور ما یاد آور روزهای بزرگ و تاریخی زیادی است که یکی از آن رویدادها حماسه رفقا گلسرخی و دانشیان است . رفقا دانشیان و گلسرخی شراره های سوزانی از آتشفشان خشم توده ها بودند و هدف آنها همه این بود که در راه بیداری و پیروزی کارگران و زحمتکشان پیگیر و استوار بکوشند و جان خود را وثیقه پیمان خویش با توده های تحت ستم و استثمار میهن کنند . آنان به خوبی می دانستند که باغ سبز فرداها را خون سرخ بخون خفته گان راه آزادی و برابری آبیاری میکند و پرچم پیروزی توده ها رنگی از خون گرم و جاری شهیدان دارد . چه کسی بهتر از خسرو فلسفه جانبازی انقلابیون پیشتاز را تصویر کرده است آنجا که می گوید :

با خون تو

میدان توپخانه

در خشم خلق

بیدار میشود

مردم

زانسوی توپخانه بدینسوی

سرریز می کنند

نان و گرسنگی

به تساوی

تقسیم می شود .

زندگی و مبارزه رفقا خسرو گلسرخی و کرامت دانشیان با نام و مبارزه فدائیان پیوندی ناگسستنی دارد . رفیق خسرو و کرامت از نخستین روزهای پیدائی سازمان خود را در پیوند با آن می دیدند . رفیق خسرو در یکی از سروده های خود این پیوند را چنین آواز داده است :

جنگل صمیم وحدت ماست

و چشمه های " کوچک "

باور نمی کند

اینک صدای " او "

و اینبار با بکارگیری تجارب گرانبهای سی و چهار ساله خویش توفنده تر از پیش ماشین ستم و سرکوب حاکمیت ستمگرانه سرمایه داران غارتگر را در تمامیت آن درهم بشکند . برای رهایی از این وضعیت مشقت بار باید بپا خاست ، هیچ دست غیبی در کار نیست راه خلاصی از قید ستم و استثمار جز مبارزه متحد و یکپارچه علیه نظم ستمگرانه سرمایه چیز دیگری نیست . فقدان چنین اتحادی همواره یکی از اساسی تری معضلات کارگران در مبارزات خود بوده است .

اینک بعد از گذشت 34 سال خیزش توده ای که همراه با افت و خیزها و فراز و نشیبهای فراوان و کوله باری از تجارب و دستاوردهای عظیم قیام توده ای بوده ، کارگران و زحمتکشان با بکارگیری این تجارب گرانبها مانع از فریب و انحراف جنبش توده ای و تغییر مسیر حرکت توده ها میشوند .

تنها راه حل قطعی و انقلابی برای حل معضلات اجتماعی ایجاد تشکلهای مستقل توده ای و سازماندهی توده ها در تشکلهای سرخ و ایجاد کمیته های اعتصاب در محلهای کار و زندگی و فراهم کردن شرایط اعتلای انقلابی و وارد آوردن آخرین ضربات در جریان قیام همگانی مسلحانه توده ای بر پیکر فرتوت نظام فاسد و رو به زوال سرمایه داری جمهوری اسلامی در ایران است .

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

خود را وفادار به سنتهای

مارکسیسم . متکی به تجارب

جنبش کمونیستی و بلشویسم و

مسلح به تنوری سوسیالیسم علمی

میداند و خود را ادامه دهنده

مانیفست کمونیست و حرکت

تاریخی کمونیستهای ایران و

جهان بشمار می آورد .

توماج، مختوم، واحدی، جرجانی



سحرگاه بیست و نهم بهمن ماه 1358 ، پیکر خونین رهبران خلق ترکمن ، رفقا توماج ، مختوم ، واحدی و جرجانی در جاده بجنورد - گنبد پیدا شد ، انها در شب نوزدهم بهمن ماه یعنی 10 روز بیشتر از آن هنگامی که در نیمه شب و بعد از یک مذاکره طولانی با نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی ربهوده شدند و بعد از انتقال به تهران و بازجویی و شکنجه در زندان های اوین و سلطنت آباد بدست مزدوران رژیم به شهادت رسیدند . رژیم جمهوری اسلامی جرات اعلام علنی جنایت هولناک خود را نداشت و بی شرمانه و مزورانه تلاش نمود ، این توطئه جنایتکارانه ی خود را کتمان کند . اما چهره ی کریه و ضد انقلابی این رژیم رسواتر از آن بود که پرده ی عوامفریبی و تزویر بتواند آن را پنهان سازد .

رژیم جمهوری اسلامی بدنبال دستگیری توماج و دیگر رهبران خلق ترکمن یعنی از همان روز 19 بهمن حمله ی وسیع و گسترده ای را به خلق ترکمن آغاز نمود ، نخست به تظاهرات یاد بود سیاهکل حمله کرده ، سپس با تمرکز نیروی عظیمی به ستاد مرکزی شوراهای یورش آورده بود . و در جریان حملات خود با انواع سلاح های سنگین خانه و کاشانه ی زحمتکشان خلق ترکمن را آماج حملات خود ساخته بود حتی بخش ترکمن نشین شهر گنبد را به ویرانه ای مبدل ساخته بود ، هر چند نتوانسته بود هنوز بر اراده ی مسلح توده ها فائق آید با ترور رهبران شوراهای خلق ترکمن می خواست به اهداف ارتجاعی خود در منطقه جامه عمل بپوشاند . شوراهای خلق ترکمن از همان بدو پیدایش خود در روزهای نخست بعد از قیام مورد کینه و نفرت مرتجعین تازه به قدرت خزیده بودند و در همان ماههای اول موجودیت ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی مورد وحشیانه ترین یورش آن قرار گرفتند و رژیم تازه به قدرت رسیده به تناسب خلع سلاح توده های مسلح قیام کننده در شهرهای سراسر ایران در ترکمن صحرا نیز تلاش نمود با سرکوب

پشتوانه ی حضور عملی این شوراهای در ترکمن صحرا بدون تردید قدرت انقلابی توده ها در سراسر ایران و حضور فعال سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بعنوان قدرتمندترین سازمان سراسری و دفاع قاطعانه ی آن از دستاوردهای انقلابی توده ها بود . بدیهی بود که رژیم جمهوری اسلامی بدون غلبه بر این پشتوانه ی عظیم سراسری و بسط و گسترش قدرت ضد انقلابی خود در سایر مناطق ایران به راحتی قادر به یورش همه جانبه ی دیگری به ترکمن صحرا نبود . همانطور که شکست یورش فروردین 58 رژیم به ترکمن صحرا نیز علاوه بر مقاومت قهرمانانه ی خلق ترکمن ریشه در چنین واقعیتی داشت .

اما در 19 بهمن ماه 58 توازن نیروی گذشته وجود نداشت رژیم در سرکوب شوراهای کارگری ، در خلع سلاح توده ها موفقیت هائی بدست آورده بود و علیرغم شکست یورش خود به کردستان با دست زدن به یک مانور سیاسی و اشغال سفارت امریکا شکاف عمیقی را در اپوزیسیون ایجاد نموده ، بر موج توهمات ناشی از این حرکت خود سوار گشته بود .

اقدامی که حتی در مهم ترین نیروی مخالف رژیم یعنی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نیز شکاف ایجاد نمود ، بخشی از رهبری سازمان یعنی اکثریت کمیته مرکزی را به دنباله روی از سیاستهای رژیم کشانده بود و تردید و تزلزل و نهایتا امتناع از هرگونه مقابله با رژیم را به سیاست این بخش خائن از رهبری سازمان مبدل ساخته بود ، امری که در واقع انعکاس خود را سیاست های

شوراهای حاکمیت ارتجاعی خود را تثبیت نماید . درست به همانگونه که با برپائی جنگ خونین در کردستان در نوروز سال 58 به چنین اقدامی دست یابد . اما رژیم بدلیل حضور قدرتمند توده های مسلح و انقلابی در صحنه دفاع از دستاوردهای مبارزات خونین خود علیه رژیم پهلوی نتوانست بر اهداف خود نائل آید و جنگ فروردین 58 ترکمن صحرا با پیروزی خلق ترکمن پایان پذیرفت و این پیروزی وثیقه ای برای تحکیم قدرت شوراهای در منطقه گردید . قدرت شوراهای که تحت هدایت سازمانگرا ی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و اعضای فعال آن رفقا توماج و مختوم ، واحدی و جرجانی قرار داشت به سرعت تمامی مناطق ترکمن نشین منطقه را در بر گرفت . زمین های درباریان و بزرگ زمین داران و وابستگان به امپریالیسم ، با تمامی تجهیزات و وسائل تولید موجود مصادره گردید و کشت شورائی و جمعی در سرزمین ترکمن صحرا که اکثرا مناطق آن دارای کشت مکانیزه بود آغاز گردید و اتحاد زحمتکشان خلق ترکمن در تمامی عرصه ها به یک واقعیت عملی مبدل گشت و شوراهای به قدرت اداره کننده ی منطقه ، سازمان دهنده ی تولید و اعمال حاکمیت سیاسی و اقتصادی و ... دهقانان زحمتکش منطقه مبدل گشتند . در طول حیات کوتاه این شوراهای ، خلق ترکمن گام های بسیار بزرگ و ارزنده ای را به پیش برداشت توده های مسلح گشتند ، خود به رتق و فتق امور خود پرداختند و بر بسیاری از نابسامانی های اجتماعی غلبه کردند .

سیاهکل شعری از رفیق کبیر

بیژن جزنی

با شما باد آخرین بدرود
 بر شما باد آتشین سوگند
 بر شما کز قطره های خونتان
 بر دشت مردستان
 هزاران لاله رویدست
 بر شما سوگند
 با شما بدرود
 ای عقابان بلند اوج
 ای پلنگان غرور خاک
 ای همه مردی همه پاکی
 در این دوران نامردی و ناپاکی
 با شما بدرود
 بر شما سوگند
 شما چون ابر باریدید
 بر این شوره زار
 خشک بی پایان
 شما چون شیر غریبید
 بر شهر سکوت آگین سنگستان
 شما از اوج خود
 در عمق جنگل ها فرو رفتید و
 آوای خوش آهنگ مسلسل هایتان
 در آن شبان سرد ظلمانی
 خبرها داشت از فردای
 شورانگیز انسانی
 و فریاد شما در شهر برهم زد
 سکوت و خواب خوش بر خیل
 بدکاران
 که در هر نغمه ای با ساز اربابان
 به خاک و خون کشیده
 پیکر بی جان ملت را
 کنون بر خویش
 می لرزند و می ترسند
 ز رزم گرم خشم آگینتان
 و ز عزم پولادینتان
 ای پاکبازان
 پاکتر مردان
 قسم بر آتش گرم مسلسل ها
 که سوزانده ست
 تخم یاس را در عمق قلب ما
 که تا جان در بدن داریم
 و با قلبی که آکنده ست از مهر
 وطن
 وز شور آزادی
 قدم در راه بگذاریم
 و سر در راهتان بازیم
 و طرحی نو دراندازیم

جبوانه ای آشکار می ساخت که نخستین
 قربانی آن شوراهای خلق ترکمن و
 رهبران قهرمان آن بود .

در حقیقت زمانی که رژیم جمهوری
 اسلامی یورش مجدد خود به شوراهای
 خلق ترکمن را آغاز کرد علیرغم
 ایستادگی پر قدرت توده های زحمتکش
 در تمامی عرصه ها بی سیاستی رهبری
 سازمان و در عمل هراس اپورتونیستی
 و خائنانه ی آن ، راه را برای تخطئه ی
 دورنی این مقاومت و مبارزه انقلابی
 زحمتکشان خلق ترکمن باز گذاشت و
 عملا علیرغم تمایل و گرایش قهری توده
 های زحمتکش برای مقابله با رژیم ،
 شوراهای در عرض مدت کوتاهی دست
 بسته تسلیم مرتجعین حاکم گشتند و ترور
 رهبران شوراهای خلق ترکمن این امر
 را تسهیل نمود .

اگر چه به شوراهای خلق ترکمن خیانت
 شد و دفاع از این شوراهای و احیای مجدد
 آنها در شرایطی که بعد از این شکست
 بر منطقه حاکم گردید عملا نتوانست
 مادیت عینی پیدا کند ، اما واقعیت
 شوراهای و قدرت آنها بعد از حاکمیت
 رژیم جمهوری اسلامی بر منطقه هر چه
 بیشتر در پیش چشمان توده های
 زحمتکش به محک زده شد و همچون
 اسطوره ای جاودانه از دوران رهائی
 بشریت از ظلم و جور و فقر و بدبختی
 این بار نه بصورت افسانه ای دور دست
 و رویایی در عالم تخیلات آرمانخواهانه
 ی زحمتکشان بلکه بعنوان تجربه ای
 عملی و نزدیک در خاطره ی توده ها
 نقش بست . و قهرمانان این حماسه ی
 خونین و گرانبار به دنیای افسانه های
 دهقانان ترکمن صحرا راه یافت و به
 چهره های محبوب این جهان شگفت
 آمال و آرزوهای آنان مبدل گشت .

بکوشیم در سالگرد شهادت این قهرمانان
 مبارزات حق طلبانه ی خلقهای تحت ستم
 ایران از تجربیات شکوهمند و با ارزش
 خلق ترکمن در تجسم بخشیدن به حق
 تعیین سرنوشت خود از طریق ایجاد
 ارگانهای اقتدار توده های زحمتکش
 بیاموزیم . یادشان جاودان راهشان پر
 رهرو باد .

خلق قهرمان . کارگران و رفقای

مبارز با مشارکت و ارسال

گزارشات . نظریات و انتقادات

خود ما را در غنی تر ساختن هر

چه بیشتر نشریه یاری نمایند .

برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان

کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از

آدرسهای زیر تماس بگیرید

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته تهران

tehran@fedayi.org

کمیته کرج

karaj@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

مسئولین پالتاک

paltalkroom@fedayi.org

کمیته امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org

ریگای گه ل در فیس بوک

www.facebook.com/regaygal

فدائیان کمونیست در فیس بوک

<http://facebook.com/sitefedayi>